

دوم پادشاهان باب 24

شورش و مرگ یهوایم

1 در زمان سلطنت یهوایم، نبوکدنصر پادشاه بابل یهودا را اشغال کرد و یهوایم مدت سه سال خراجگزار او شد؛ سپس علیه او شورش کرد. 2 مطابق کلام خداوند که توسط انبیا گفته شده بود، خداوند سپاهیان کلدانی، سوری، موآبی و عمونی را فرستاد تا یهودا را نابود کنند. 3 در واقع این رویداد به فرمان خداوند، به خاطر گناهان و کارهایی که منسی انجام داده بود، بر یهودا واقع شد تا ایشان را از نظر خود دور کند. 4 همچنین به خاطر ریختن خون بی‌گناهی که در اورشلیم جاری شد، خداوند او را نبخشید. 5 همه کارهایی که یهوایم انجام داد، در کتاب تاریخ پادشاهان یهودا نوشته شده است. 6 یهوایم درگذشت و پسرش جانشین او شد.

7 فرعون و ارتش او دیگر هرگز از مصر خارج نشدند، زیرا پادشاه بابل تمام سرزمینی را که به مصر تعلق داشت، از رود فرات تا مرزهای شمالی مصر، تصرف کرده بود.

سلطنت یهوایم بر یهودا

(دوم تواریخ 9: 36-10)

8 یهوایم هجده ساله بود که به سلطنت رسید و مدت سه ماه در اورشلیم پادشاهی کرد. نام مادرش نَحُوشا دختر الناتان و از اهالی اورشلیم بود. 9 او نیز مانند پدرش آنچه را در نظر خداوند پلید بود، بجا آورد.

10 در دوران سلطنت او سپاه بابل به اورشلیم حمله کرد و آن را محاصره نمود. 11 در وقت محاصره شهر، نبوکدنصر خودش به اورشلیم آمد. 12 یهوایم خود را همراه با مادر، پسران و مأموران و همچنین کارکنان کاخ شاهی، به نبوکدنصر تسلیم کرد. پادشاه بابل در سال هشتم سلطنت خود، او را اسیر کرد.

تسخیر اورشلیم

13 پادشاه بابل همه دارایی خزانه‌های معبد بزرگ و کاخ شاهی را با خود برد. طبق پیشگویی که خداوند فرموده بود، همه ظروف و وسایل طلائی معبد بزرگ را که سلیمان پادشاه اسرائیل ساخته بود، شکست. 14 نبوکدنصر تمام ساکنان اورشلیم را با جنگجویان، مأموران، صنعتگران و آهنگران که ده هزار نفر بودند، با خود برد و به غیر از فقیرترین مردم آنجا، کس دیگری باقی نماند.

15 او همچنین یهوایم، مادر، زن‌ها و مأموران او را با اشخاص برجسته قوم، از اورشلیم به بابل به اسیری برد. 16 پادشاه بابل هفت هزار اسیر از مردان برجسته به بابل آورد؛ صنعتگران، آهنگران و هزار مرد نیرومند که برای خدمات نظامی آمادگی داشتند.

17 پادشاه بابل عموی یهوایم، متنیا را به جای او پادشاه کرد و نامش را به صدقیا تغییر داد.

صدقیا، پادشاه یهودا

(دوم تواریخ 11: 36-16؛ ارمیا 1: 52-3)

18 صدقیا بیست و یک ساله بود که به سلطنت رسید و مدّت یازده سال در اورشلیم پادشاه بود. مادرش حموطل نام داشت. او دختر ارمیا و از اهالی لینه بود. 19 او مانند یهویاکین کارهایی را که در نظر خداوند پلید بود، انجام داد. 20 خداوند چنان از مردم اورشلیم و یهودا خشمگین شد که ایشان را از نظر خود دور کرد. صدقیا علیه پادشاه بابل قیام کرد.